

کتاب در عین ایجاز حاوی مطالب بسیار است و از نظر تقسیم‌بندی بابها، اساسی نیکو دارد؛ با اینهمه گاه مؤلف به شیوه دیگر آثار به موضوعات و مطالب تاریخی و ادبی و مانند اینها نیز پرداخته که چندان ارتباطی با موضوع کتاب ندارد.

مأخذ: ابن احمر، اسماعیل بن یوسف، تئیر الجمان (اعلام المغرب والاندرلس)، به کوشش محمد رضوان الدایه، بیروت، ۱۴۰۷ ق/۱۹۸۷م؛ همو، تئیر فراند الجمان، به کوشش محمد رضوان الدایه، قاهره، ۱۹۶۷م؛ ابن جزی، عبدالله بن محمد، کتاب الخیل، به کوشش محمد عربی خطابی، بیروت، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۶م؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الدرر الکامنه، حیدرآباد دکن، ۱۹۷۶م؛ ابن خطیب، محمد بن عبدالله، الاحاطة، به کوشش محمد عبدالله عنان، قاهره، ۱۳۹۴ - ۱۳۹۷ ق/۱۹۷۴ - ۱۹۷۷م؛ همو، الکتیبه الکامنه، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۶۳م؛ ابن عماد، عبدالحی، نذرات الفهیب، قاهره، ۱۳۵۱ ق؛ ابن فرحون، ابراهیم بن علی، الذبیح المذهب، به کوشش محمد احمدی ابوالنور، قاهره، ۱۳۹۴ ق/۱۹۷۴م؛ بابا تئیکتی، احمد، نیل الانبهاج، حاشیه الذبیح المذهب ابن فرحون یعمری، قاهره، ۱۳۵۱ ق؛ بغدادی، ابیضاح؛ زرکلی، اعلام سیوطی، بقیة الرعاة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۴ ق؛ عربی خطابی، محمد (نک: ابن جزی در همین مأخذ)؛ عنان، محمد عبدالله، فهرس الخزائن الملکیه، رباط، ۱۴۰۰ ق/۱۹۸۰م؛ فاسی، محمد عابد، فهرس مخطوطات خزانه التورین، رباط، ۱۴۰۰ ق، ۱۹۸۰م؛ کانی، عبدالحی بن عبدالکبیر، فهرس الفهارس، قاهره، ۱۳۲۶؛ مجله معهد المخطوطات العربیة، قاهره، ۱۳۹۲ ق/۱۹۷۲م؛ مختار وکیل، فهرست المخطوطات المصوره، (تاریخ)، قاهره، ۱۳۹۰ ق/۱۹۷۰م؛ مخلوف، محمد بن محمد، شجرة النور الزکیة، بیروت، ۱۳۵۰ ق؛ مقرئ، احمد بن محمد، ازهار الریاض، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۹ ق/۱۹۶۸م؛ همو، نفع الطیب، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۸ ق/۱۹۶۸م؛ نباهی مالتی، ابوالحسن بن عبدالله، تاریخ قضاة الاندرلس، به کوشش لوی پروانسال، قاهره، ۱۹۲۸ ق؛ نیز:

Ahlwardt; De Slane, M., Catalogue des manuscrits arabes Paris, 1883-1895; EI²; GAL.

علی رفیعی

الاحتفال فی استیفاء تصنیف مالللخیل من الاحوال، نوشته ابو عبدالله محمد بن رضوان بن ارقم را تهذیب و مختصر کرده است. بنابراین وی دست کم تا نیمه دوم سده ۸/۱۴م زنده بوده است. او نیز مانند دو برادرش نخست نزد پدر به تحصیل پرداخت و سپس از کسانی چون ابوالبرکات (محمد بن محمد) بن الحاج بلیقی در المریه و غرناطه، و ابوالقاسم محمد بن احمد حسنی سبتی غرناطی و ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمن بیانی و ابو سعید فرج بن لب غرناطی و ابو عبدالله محمد ابن بییش (عبدوی) دانش آموخت (ابن خطیب، الاحاطة، ۳/۳۹۳ - ۳۹۵). ابن خطیب همه استادان و نیز کتابهایی را که وی نزد آنان و یا نزد پدر خوانده، نام برده است. به گفته همو این جزئی بسیاری از کتابهای مشهور در فقه، حدیث، نحو، ادب و از جمله بخشهایی از صحیح بخاری و مسلم، سنن ترمذی، نسائی، ابو داود، الموطأ مالک، الکتاب سیویه و الايضاح ابو علی فارسی را نزد همین استادان خوانده و از اغلب آنان اجازه روایت گرفته است (همانجا).

وی ظاهراً در جوانی به تدریس پرداخت (ابن خطیب، الکتیبه، ۹۶) و به قضا رسیده (همو، الاحاطة، ۳/۳۹۲). گروهی نیز از وی دانش آموختند که از آن میان ظاهراً ابوبکر بن عاصم و عباس (یا ابوالعباس) یقنی، یکی از شارحین «برده» (مقرئ، نفع، ۵/۵۴۰؛ بابا تئیکتی، ۱۵۵) و نیز ابوالحسن بن هذیل (ابن جزی، ۲۵۲) را می‌توان نام برد. ابن مرزوق (حفید) نیز از وی اجازه روایت داشته است (مقرئ، همانجا)، شماری از اشعار وی را که بر از صنایع شعری رایج در دوره اوست، ابن خطیب در الاحاطة (۳/۳۹۵-۳۹۹) و نیز در الکتیبه (صص ۹۶-۹۹) و مقرئ در نفع (همانجا) آورده‌اند.

آثار: در مأخذ کهن اثری به وی نسبت نداده‌اند، اما در ۱۹۸۶م محمد عربی خطابی کتابی با عنوان کتاب الخیل در بیروت از وی به چاپ رسانده است که به گفته خود او اختصاری است از کتاب الاحتفال (ابن جزی، ۲۰ - ۲۱). ابن جزی تنها به مختصر کردن آنان بسنده نکرده بلکه آن را تهذیب و تصحیح نیز نموده است و بابهای کتاب را به ذوق خویش و به سیاق دیگری غیر از اصل کتاب در آورده و مرتب ساخته است و فواید علمی بسیار و محاسن ادبی به آن افزوده و بعضی از بابها و برخی از مشکلات لغوی آن را حذف کرده است. نام کامل کتاب، مطلع الیمن و الاقبال، فی انتقاء کتاب الاحتفال و استدراک ما فاتته من المقال است (ص ۲۱). مؤلف در ابتدای کتاب به شرح حال ۸ تن از پادشاهان بنی نصر اندلس پرداخته است و بعد از آن وارد مباحث اصلی کتاب شده است.

موضوع کتاب اسب است و مؤلف در آن، به تفصیل راجع به صفات و حالات اسب، اهمیتی که نزد اعراب داشته، پیدایش آن، رنگهای مختلف و نژادهای آن و دیگر آگاهیهای مربوط به اسب سخن گفته است و در همه حال به سخن علمای لغت و شعر شاعران استشهد کرده است. سپس به بحث در مورد نامهای اسبهای عربی، مراتب آنها در مسابقات و روش نگاهداری اسب پرداخته است. این

ابن جعابی، ابوبکر محمد بن عمر بن محمد تئیمی ۲۸۴ - ۳۵۵ ق/ ۸۹۷ - ۹۶۶ م، محدث و رجالی امامی.

ابن ندیم (ص ۲۴۷) نام وی را عمرو بن محمد و طوسی (الفهرست، ج نجف، ۱۱۴) عمر بن محمد ثبت کرده است. بنابر بعضی نسخ الفهرست طوسی (همانجا) ابن عبدون نیز مرتکب همین اشتباه شده است (قس: اردبیلی، ۶۳۷/۱). ابن جعابی احتمالاً در بغداد زاده شد (نک: خطیب، ۲۶/۳). او در دهه آخر سده ۳ ق در بغداد مشغول تحصیل بوده، و این مطلب از حضور وی نزد مشایخی چون قاضی ابومحمد یوسف بن یعقوب (د ۲۹۷ ق/ ۹۱۰ م) و برخی دیگر روشن می‌شود. از زندگی وی در فاصله ۳۰۰ - ۳۳۰ ق/ ۹۱۲ - ۹۴۲ م اطلاع چندانی در دست نیست، جز اینکه وی برای استماع از عبدالله بن محمد دینوری به دینور سفری داشته است (نک: خطیب، ۲۹/۳). بسیار محتمل است که سفر او به موصل و تصدی منصب قضا در آنجا (همو، ۳۰/۳) مربوط به همین دوره باشد. ابن جعابی در دوران حکومت اِخْشید (۲۲۴ - ۳۳۴ ق) سفری به مصر کرد و با او دیدار کرد (ذهبی، سیر، ۹۲/۱۶). وی مدتی را نیز نزد سیف‌الدوله، حاکم شیعی حلب (۳۳۳ - ۳۵۶ ق) گذراند (ابن ندیم، همانجا). ابن جعابی بجز حلب به دیگر نقاط شام از جمله دمشق و منطقه ساحلی مدیترانه نیز سفر کرد (مفید، ۳۱۱؛ ذهبی، سیر،

(نک: خطیب، ۳/۳۱) و همشینی او با متکلمان (نک: ذهبی، سیر، ۹۱/۱۶) قابل ذکر است، اما در کتب رجالی شیعه وی مورد مدح قرار گرفته است (نجاشی، ۳۹۴)، حتی در بعضی نسخ الفهرست طوسی (ج نجف، ۱۱۴) وی توثیق شده است (نک: حر عاملی، ۲۰/۲۸۳؛ اردبیلی، ۱/۶۳۷؛ قهپایی، ۴/۲۶۳؛ قس: طوسی، الفهرست، ج کلکته، ۲۳۹؛ علامه حلی، ۱۱۹؛ ابن داوود، ۲۶۰).

آثار: به گفته خطیب بغدادی (۲۶/۳)، ابن جعابی آثار زیادی در حدیث، تاریخ و رجال تألیف کرده است. برخی گفته‌اند که او به هنگام اجتناب دستور داده تا کتابهایش را بسوزانند، و در پی آن تلی از کتاب به آتش کشیده شد (خطیب، ۳/۳۱؛ ذهبی، سیر، ۹۰/۱۶)، پیش از آن نیز بخشی از کتابهایش در رقه از بین رفته بود (خطیب، ۳/۲۸). با اینهمه قسمتی از آثار وی تا مدتی پس از مرگش باقی بوده است. برخی از این آثار که در حال حاضر اثری از آنها در دست نیست عبارتند از:

۱. تسمیه من روی الحدیث وغیره من العلوم ومن کانت له صناعة ومذهب و نحلة (طوسی، الفهرست، ج نجف، ۱۵۱؛ قس: همان، ج کلکته، ۳۱۰).

۲. الشیعة من اصحاب الحدیث وطبقاتهم، که براساس گزارش نجاشی (ص ۳۹۵) این کتاب حداقل تا یک سده پس از ابن جعابی باقی بوده است.

۳. من حدّث هو و ولده (ابوه) عن النبی (ص)، ابن حجر (۱/۳۸)، ۲/۳۲۰) آن را به وی نسبت داده و از آن نقل کرده است.

۴. من روی حدیث غدیر خم (نجاشی، همانجا). ابن شهر آشوب احتمالاً این کتاب را دیده بوده است. وی متذکر شده که ابن جعابی حدیث غدیر را از ۱۲۵ طریق گرد آورده است (۳/۲۵). هفت طریق از طرق مزبور را ابن بابویه در معانی الاخبار (صص ۶۵-۶۷) نقل کرده است (در مورد سایر آثار وی نک: ابن ندیم، نجاشی، همانجاها؛ طوسی، فهرست، ج نجف، همانجا).

ماخذ: ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، بیروت، ۱۴۰۰/۱۹۸۰م؛ همو، معانی الاخبار، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت، ۱۳۹۹/۱۹۷۹م؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه، قاهره، ۱۳۲۸/۱۹۱۰م؛ ابن رستم طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، نجف، ۱۳۸۳/۱۹۶۳م؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، قم، ۱۳۷۸/۱۳۷۸م؛ ابن عیاش جوهری، احمد بن محمد، مقتضب الاثر، قم، ۱۳۷۹/۱۳۷۹م؛ ابن ندیم، الفهرست؛ ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء، قاهره، ۱۳۵۷/۱۹۳۸م؛ اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، بیروت، ۱۴۰۳/۱۹۸۳م؛ حر عاملی، محمد بن حسن، رسائل الشیعة، بیروت، ۱۳۸۹/۱۹۶۹م؛ حلی، حسن بن علی، الرجال، به کوشش جلال الدین محدث، تهران، ۱۳۴۲ش؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹/۱۳۴۹م؛ ذهبی، محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۳-۱۳۳۴/۱۳۳۴م؛ همو، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعبی ارنو و ژرژ و دیگران، بیروت، ۱۴۰۴/۱۹۸۴م؛ همو، میزان الاعتدال، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، ۱۳۸۲/۱۹۶۳م؛ سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، به کوشش عبدالرحمن یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۳/۱۹۶۳م؛ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، بغداد، ۱۳۸۴/۱۹۶۴م؛ همو، رجال، به کوشش محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۱/۱۹۶۱م؛ همو، الفهرست، به کوشش محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، المکتبة الحیدریة؛ همان، به کوشش اشرف نگر، کلکته، ۱۲۷۱/۱۸۵۳م؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، رجال، به کوشش محمدصادق آل

همانجا؛ قس: همو، تذکرة، ۳/۹۵۳). گرچه روایات در مورد ترتیب این سفرها کمی با هم اختلاف دارند، ولی شاید بتوان همه سفرهای مذکور به مصر و شام را متصل به یکدیگر و کمی قبل یا بعد از ۳۳۳ق/۹۴۵م دانست. به هر حال وی به بغداد بازگشت (خطیب، ۳/۲۷؛ ذهبی، تذکرة، همانجا). حاکم نیشابوری بین سالهای ۳۴۱-۳۴۳ق (نک: فارسی، ۶) و ابن عیاش (صص ۸، ۲۲) پس از ۳۴۰ق از شاگردان او در این دوره بوده‌اند. ابن جعابی در ۳۴۸ق در ارجان (هم) نزد ابن عمید، وزیر مشهور آل بویه بوده (خطیب، ۳/۳۰) و ظاهراً کمتر از یک سال بعد همراه او به بغداد بازگشت (سمعانی، ۳/۲۸۶)، اما در آنجا درنگ نکرد و در ۳۴۹ق روانه اصفهان شد. (ابونعیم، ۲/۲۸۷). اطلاعات ما در مورد سالهای ۳۴۹-۳۵۳ق اندک است، ولی می‌دانیم که وی در ۳۵۳ و ۳۵۴ق در بغداد بوده و شیخ مفید (صص ۱۰۹-۱۱۰) و ابن بابویه (امالی، ۳/۳۸۶) در آنجا از او استماع کرده‌اند. ابن جعابی در طول حیات خود حداقل یک بار به کوفه (مفید، ۳/۳۱۸) و دو بار به رقه (خطیب، ۳/۲۸) سفر کرده است که از تاریخ آنها خبری نداریم. سرانجام وی در بغداد درگذشت (سمعانی، ۳/۲۸۷؛ قس: خطیب، ۳/۳۱).

ابن جعابی در حفظ و ضبط متون و اسناد احادیث توانا بود و علاوه بر نقل به نقد حدیث نیز می‌پرداخت (خطیب، ۳/۲۷-۲۸؛ طوسی، الفهرست، ج نجف، ۱۵۱). ابن جعابی در احوال و انساب رجال اطلاعات وسیعی داشت، از بزرگ‌ترین مشایخ عصر خود در عراق و شام و مصر حدیث شنید، و اسانید اهل خراسان را نیز در اختیار داشت (نک: خطیب، همانجا). از جمله مشایخ وی می‌توان ابوبکر محمد بن یحیی مروزی، ابوعمر محمد بن جعفر قتات، محمد بن حسن بن سماعه حضرمی، ابوبکر جعفر بن محمد فریابی، ابوبکر محمد بن محمد بن سلیمان باغندی، احمد بن محمد بن عقده همدانی، و ابومحمد هیم بن خلف دوری را نام برد (مفید، ۲۱، ۲۵۱، ۳۳۲؛ خطیب، ۳/۲۶-۲۷). از شاگردان و راویان وی نیز می‌توان از ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی، ابوحفص عمر بن احمد بن شاهین، ابومحمد هارون بن موسی تلکبری، ابوعبدالله حسین بن عبیدالله غضائری، ابوالفتح هلال بن محمد حفار، ابوعبدالله احمد بن عبدالواحد بن عبدون، بزاز، ابوطاهر عبدالله بن احمد خازن و ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی نام برد (ابن رستم طبری، ۹۳؛ طوسی، الفهرست، ج نجف، ۱۱۴، ۱۵۱؛ همو، رجال، ۵۰۵؛ همو، امالی، ۱/۳۶۱-۳۶۵؛ خطیب، ۳/۲۶).

اینکه مذهب ابن جعابی امامی بوده، بارها توسط رجال نویسان مورد تأیید قرار گرفته است (ابن ندیم، همانجا؛ خطیب، ۳/۲۶، ۳۰)، اما در مورد وثوق وی اقوال اهل سنت مختلف است. دارقطنی در روایتی بر امانت او در روایت تأکید کرده، لیکن بعضی از معاصران وی او را مورد طعن قرار داده‌اند (خطیب، ۳/۳۰-۳۱؛ ذهبی، تذکرة، ۳/۹۵۳؛ همو، سیر، ۹۱/۱۶). برخی رجال نویسان متأخر با تکیه بر این اتهامات ابن جعابی را در دین سست دانسته و فاسق شمرده‌اند (ذهبی، میزان، ۳/۶۷۰). از عوامل تضعیف او توسط افراد یاد شده، تشیع ابن جعابی